دوفصلنامه علمی ـ تخصصی گفتمان وحی
سال یازدهم/ شماره ۱۸/ پاییز وزمستان ۱۳۹۹

Bi-quarterly Journal Specialized Guftman-e Wahy
Eleventh Year, No.18, Autumn and Winter 2020-21

بررسی مبانی و اسباب نجات اخروی از دیدگاه امامیه و اشاعره با تأکید بر آیات و روایات اسلامی

□ عبدالمؤمن امینی *

چکیده

رویکرد کلامی امامیه و اشاعره در زمینه آموزه نجات اخروی با توجه به مبانی آنان متفاوت بوده و با این حال در مواردی در باب اسباب نجات، دیدگاه واحدی دارند. این جستار به شیوه مقایسه‌ای و تحلیلی و با استفاده از منابع کلامی آنان، گزاره نجات، اسباب آن را، مورد بحث قرار داده است. امامیه، توحید افعالی را فراگیر دانسته و معتقد به غرض‌مندی و وجوب اصلح در آن شده و با التزام به حسن و قبح عقلی اشیاء، انسان را در افعالش مختار می‌دانند. آنان حکمت، عدالت الاهی و اختیار را از مبانی شناخت نجات دانسته و آزادی را، مبنای کمال یابی برای انسان شمرده‌اند؛ اما اشاعره، یگانه عامل مؤثر در ایجاد اعمال بندگان را قدرت الاهی دانسته و انسان را کاسب آن می‌دانند. آنان قائل به حسن و قبح شرعی شده و رعایت وجوب اصلح و غرض‌مندی در افعال خداوند را رد نموده و انسان را در انجام افعالش مجبور دانسته‌اند. متکلمان امامیه و اشاعره مؤمنان مخالف مذهب یکدیگر را اهل نجات دانسته و با تمسک به قاعده قبح عقاب بلا بیان، مستضعفان فکری را نیز از نجات یافتگان می‌دانند. امامیه، اعتقاد به امامت اهل بیت (ع) را

---

*. دانشجوی مقطع دکتری دانشگاه ادیان و مذاهب (گرایش مذاهب اسلامی).

از جمله‌ای اسباب نجات بر شمرده و اعطای ثواب به بندگان را، از باب تفضل و استحقاق می‌دانند. آنان با تمسک به حکمت و عدالت الاهی، ابتلاء و عبادت را به عنوان راز آفرینش انسان به شمار آورده و ثواب و کیفر برای نیکوکاران و بدکاران را، بر مبنای عدالت استوار دانسته که اگر پاداش و کیفر اخروی نباشد، عدالت الهی مخدوش می‌شود؛ اما اشاعره، با عدم اعتقاد به امامت آل الله (ع) اعطای ثواب به مؤمنان را تنها تفضل خداوند می‌دانند. آنان با نفی رابطه علیت در میان اشیاء و تمسک به قاعده عادت الله، تکلیف مالایطاق را، مجاز دانسته و معتقدند که هرچه خداوند انجام دهد عین حکمت و عدالت است و هرچند در نظر عقول عادی انسانها، ظلم به حساب آید.

واژگان کلیدی: امامیه، اشاعره، نجات، اسباب، آثار و مستضعفان فکری.

مقدمه

مذاهب اسلامی و بخصوص دو مکتب کلامی امامیه و اشاعره، در بسیاری از کلیات احکام و معارف کلامی دیدگاه واحد دارند؛ و اخذ به مشترکات معارف کلامی زمینه بر قراری امنیت پایدار در میان امت اسلامی را فراهم می‌کند و با این حال متکلمان امامیه و اشاعره، در پاره‌ای از مباحث مرتبط در حوزه خداشناسی، راهنماشناسی، فرجام شناسی و در مباحث اخلاقی و بخش از احکام فردی و اجتماعی اسلام، رویکرد متفاوت دارند و راز تعدد مذاهب، استنباط متفاوت از منابع دینی و شرایط زندگی انسانها در مقاطع مختلف تاریخ اسلام است. پرسشی که مطرح می‌شود این است که آیا پیروان مذاهب از حقانیت و نجات بخشی یکسانی برخوردار بوده و بگونه‌ای که انجام تکالیف دینی بر اساس آموزه‌های همه مذاهب اسلامی، موجب نجات بخشی انسان شده و زمینه دستیابی به بهشت جاویدان را برای آنان فراهم می کند و یا اینکه از میان مذاهب اسلامی یکی اهل نجات و بر حق بوده و بقیه آمیزه ای از حق و باطل است و عمل به تعالیم یکی از مذاهب اسلامی مایه رستگاری در آخرت شده و نجات پیروان دیگر مذاهب بسته

به شرایط خاصی دارد. نگارنده در نوشتار حاضر بر آن است که دیدگاه‌های کلامی دو مکتب امامیه و اشاعره را، در زمینه آموزه نجات و مباحث مرتبط با آن به صورت مقایسه‌ای بررسی نموده و آثار و نتایج دیدگاه های متکلمان این دو مکتب کلامی درباره مبانی و اسباب نجات اخروی را، بیان داشته و در ادامه این مقاله نیز به تطبیق نظرات و موارد اشتراک و افتراق تفکرات آنان پرداخته می‌شود.

هدف اصلی تحقیق

انگیزه اصلی در این پژوهش، شناخت رویکردهای مشترک متکلمان امامیه و اشاعره در زمینه آموزه نجات و تقویت و ترویج آن در میان پیروان دو مکتب کلامی در راستای همزیستی مسالمت آمیز است.

ضرورت تحقیق

مطالعات تطبیقی در عرصه دین و مباحث اعتقادی یک امر لازم بوده و نقش ممتازی در روند تقریب و وحدت پیروان مذاهب اسلامی دارد. در این میان یکی از آموزه‌های مهم و حیاتی که از نقاط مشترک دو مذهب کلامی امامیه و اشاعره به شمار می‌رود، بحث نجات و امید بخشی به فردای روشن است. نگارنده در مقاله حاضر بر آنست که در راستای ضرورت تقویت اندیشه تقریب در میان پیروان دو مکتب کلامی امامیه و اشاعره، آراء و مشترکات کلامی این دو مکتب را، در زمینه مباحث مبانی و اسباب نجات اخروی، به صورت مقایسه‌ای، بیان نماید.

مفهوم شناسی نجات

لفظ «نجات» مصدر فعل «نجا»، «ینجو» بوده و اصل اولیه آن بر جدا شدن و انفصال دلالت دارد.(راغب، بی‌تا، ص٤٨٣). بیشترین استعمال این واژه در مفهوم ضد هلاکت و به معنای خلاص شدن، رهایی یافتن و سالم ماندن از چیزی است که ناخوش و ناپسند باشد. (ابن منظور، ١٤١٢، ج١٥،ص ٣٠٥) مراد از استعمال واژه نجات در مباحث کلامی، نجات اخروی، رهایی از عذاب سخت قیامت و در نهایت رسیدن به دیدگاه ه فوز و فلاح است.

۱ـ مبانی نجات اخروی از دیدگاه امامیه

آموزه نجات و رهایی به صورت فطری بر روح و روان آدمی تأثیر گذار بوده و زمینه تعادل روحی در زندگی انسانها را فراهم می‌کند. این آموزه در حوزه فرجام شناسی نیز مطرح بوده و زندگی پرنشاط و همراه با آرامش و صلاح در آخرت را برای انسان نوید می‌دهد. در ادامه این نوشتار پس از بیان مفهوم مبانی، به بیان مبانی متکلمان امامیه و اشاعره درباره آموزه نجات پرداخته می‌شود.

۱-۱- اراده الاهی و اختیار انسان

واژه مبانی جمع مبنا بوده و از ریشه «بنی» به معنای اساس، پایه و هرچه که با تکیه بر آن بر رویش چیزی قرار دهند مبنا گفته می‌شود. (راغب، ١٤١٥ ، ص١٤٧). در اصطلاح دانش کلام، مبانی به آن دسته عناصر محوری اعتقادی اطلاق می¬شود که جنبه زیربنایی برای معارف کلامی دارند و در تبیین آموزه‌های کلامی نقش دارد.

متکلمان امامیه، ضمن تأکید بر شمول توحید افعالی خداوند، بحث افعال و اختیار انسان را از مبانی نجات شناسی به حساب آورده‌اند. عالمان امامیه بر آنند که خداوند توانایی انجام دادن افعال را به انسان بخشیده و آدمی با این توانایی و قدرتی که دارد، به انجام دادن افعال خویش مبادرت می ورزد. محقق طوسی وجود اراده و اختیار در انسان را، امر فطری و وجدانی دانسته و اظهار می‌دارد که انتخاب انجام یک کار از میان چند کار دلیل بر وجود صفت اختیار در وجود انسان است. (طوسی، ١٤٢٣، ص١٠٤). اندیشمندان امامیه، در باب افعال انسان، با الهام گیری از حدیث امام صادق(ع) « لاجبرٌ و لا تفویضٌ بل امرٌ بین الأمرین» (مجلسی، ١٤١١، ج٤، ص ١٩٧) قائل به اندیشه، وجود اختیار در آدمی شده و آن را از امور وجدانی در ماهیت انسان دانسته و تفکر جبر و تفویض را نفی نموده‌اند؛ (شیخ مفید، ١٤١٣، ص ٤٨) متکلمان امامیه بر این باورند که در افعال اختیاری انسان، هم اراده خداوند و هم اراده انسان در طول یکدیگر دخالت دارد. آنان برای اثبات این اندیشه چنین استدلال نموده‌اند که رابطه اراده انسان با اراده الاهی به سه صورت قابل تصور است:

الف) دو اراده خدا و بنده در تحقق فعلی، تنها یک اراده دخالت دارد و آن هم اراده خداوند است و نتیجه آن جبر است؛

ب) فرض دوم اینکه تنها اراده انسان را در تحقق فعل دخیل بدانیم در این صورت منجر به تفویض می‌شود؛

ج) اما اگر معتقد به تأثیر هردو اراده باشیم، نتیجه آن امر«بین الامرین» می‌شود؛ بدین ترتیب اندیشه جبر و تفویض باطل و مردود است و در نهایت رویکرد اختیار معقول و معتدل بوده و به اثبات می‌رسد. (فیاض لاهیجی، ١٤٢٣، ص٣٢٧).

١ـ٢ـ حکمت الاهی

بر اساس آموزه‌های اسلامی، آزمایش و عبادت به عنوان علت آفرینش انسان به شمار آمده و هدف از خلقت نظام کیهانی و جهان آفرینش و آنچه که در زمین است، برای انسان تعبیه شده است. از این گفته مهم، به دست می آید که غایت حکیمانه ای که خداوند در مسیر خلقت جهان، لحاظ کرده است، تکامل انسان و رسیدن او به درجات والای وجودی و معنوی بوده و در نهایت بهره مندی انسان از نعمتهای الاهی برای رشد و پیشرفت و برای رسیدن وی، به قله سعادت ابدی است. (علامه طباطبایی، ١٤١٧، ج ١٨، ص ٥٧٩). عالمان امامیه بر آنند که انسانها آزاد و دارای اختیار آفریده شده و تکالیف الاهی برمبنای قدرت و اختیار، بر عهده آنان گذاشته شده است؛ از این رو اعمال آدمی آثاری و تبعاتی دارد که بازتابش در جهان دیگر به خود انسانها بر می‌گردد. (بقره/ ٢٨٦) و خداوند بندگانش را بر فعلی که توانایی انجام آن را ندارند، مکلف نمی‌کند؛ (قرائتی، ١٣٨٥، ج١، ص٤٥٧). متکلمان امامیه، اعطای ثواب و عقاب را نشانه اختیار انسان دانسته و بر آنند که اگر انسان در افعال خویش مختار و صاحب اراده نباشد، مدح و ذم، ثواب و عقاب وی بی معنا می¬شود و تکلیف نمودن انسان خلاف داده‌های عقلی است. (علامه حلی، ١٣٨٥، ص ١٠٠). مطابق حکمت الهی، ثواب دادن به مطیعان و انتقام از ظالمان در روز رستاخیز یک امر اجتناب ناپذیر بوده و این هشدار و وعده الاهی است. (علامه طباطبایی، ١٤٢٧، ج ٦، ص ٢٣٩). در قرآن بارها به این حقیقت اشاره شده است که بسیاری از

ظالمان در همین دنیا نیز گرفتار کیفرهای شدیدی می‌شوند. (هود/۱۰۲؛ حج/٤٥). اما مؤمنانی که ملتزم به دستورات الاهی بوده و از فرامین خداوند تخطی نکرده و اعمال نیک و صالح انجام داده‌اند، در روز قیامت غرق در نعمتهای الاهی بوده و پاداش کردار خیرشان را می‌یابند و این تفضلی است که خداوند بر اساس حکمت خویش در برابر ایمان و رفتار نیک مؤمنان انجام داده و زمینه نجات و شادی آنان را در عالم دیگر فراهم می‌سازد.

۱ـ۳ـ عدل الاهی

خداوند پس از آفرینش بندگانش، آنان را به ایمان و انجام اعمال صالح، دعوت کرده است. مردم از لحاظ پذیرش این دعوت، دو دسته شده‌اند، برخی فرامین الاهی را پذیرفته و نظام فکری و اخلاقی خود را بر آن تطبیق داده و جزئی بندگان صالح خداوند شده‌اند. و برخی دیگر نپذیرفته و به بدکاری و فساد روی آورده‌اند؛ از این روی خداوند بر اساس صفت عدل، افعالش منزه از ارتکاب فعل بد و ترک واجب بوده و به مطیعان وعده ثواب داده و به عاصیان وعده عذاب داده است. (علامه حلی، ۱۳۸۵، ص۹٦) با توجه به اینکه تخلف از وعده و وعید از نظر عقل و شرع ناروا بوده و در نهایت خداوند در عالم دیگر به این وعده‌ها و هشدارها، جامه عمل پوشانیده و مجرمان را به کیفر اعمالشان می‌رساند. (شهید مطهری، ۱۳۷۷، ص ۸۹). چنانکه دسته‌ای از آیات قرآن به این گفته دلالت دارد که جزا و پاداش کردار آدمی در عالم آخرت، مقتضای عدل الهی است. (یونس/٤٤؛ آل عمران/۱۰۸؛ سجده) اگر پاداش و کیفر اخروی نباشد، عدل الهی مخدوش گردیده و لازمه‌اش نسبت کذب به ساحت قدس الاهی خواهد بود و در حالی که وعده خداوند تخلف ناپذیر بوده و ساحت خداوند از کذب، مبراست.

متکلمان امامیه بر آنند که اعطای ثواب و کیفر برای نیکوکاران و بدکاران در عالم آخرت، بر مبنای حسن و قبح ذاتی افعال است. مطابق این نظریه، احکام شرعیه، دائر مدار مصالح و مفاسد واقعیه است که در متعلقات آنها موجود است و هر چیزی که در واقع دارای مصلحت باشد شارع به آن امر می‌کند و از هر چیزی که در واقع دارای مفسده باشد، باز داشته و خداوند عمل قبیح را مورد پذیرش خود قرار نمی دهد. (علامه حلی، ۱۳٦٥، ص ۲۰۲). بر این اساس، پاداش و

مجازات الهی بر مبنای عدالت و استحقاق صورت می گیرد. (شیخ مفید، ١٤١٣، ص٥٨-٥٧؛ ربانی گلپایگانی، ١٤١٨، ص ١٩٨).

۱ـ۴ـ حسن و قبح افعال

خداوند بندگان بدکار و متخلفش را در صورتی در عالم قیامت کیفر داده و مجازات می‌کند که پیش از آن و در عالم دنیا برای هدایت آنان کتابهای آسمانی نازل نموده و پیامبران (ع) را فرستاده است تا مردم را در راه سعادت و کمال یابی دعوت نمایند؛ از این روی هرگاه از جانب خداوند، برای راهنمایی بنده‌اش بیانی صادر نشده و یا صادر شده و به وی نرسیده است و در چنین صورت، بندگان مقصر نبوده و مؤاخذه آنان از نظر عقل با استناد به «قاعده قبح عقاب بلا بیان» (محمد تقی حکیم، ١٤١٢، ص٢٣٥) که مبتنی بر پذیرش «حسن و قبح عقلی» است، یک امر ناروا بوده و مولای حکیم پیش از ابلاغ دستورات خویش نمی‌تواند به دلیل تخلف بندگانش، آنان را مجازات نماید. (عبد الحسین طیب، ١٣٦٢، ص ٤٣٢) آیاتی از قرآن نیز مؤید این قاعده بوده و ذات باری، مردم هیچ منطقه‌ای را نابود نکرده است مگر آنکه پیامبری را برای هدایت آنان فرستاده است. (قصص/٥٩؛ اسراء/١٥؛ توبه/ ١١٥).

با بررسی مبانی نجات از دیدگاه امامیه، به این ره آورد رسیدیم که آنان، با التزام به شمول توحید افعالی، انسان را در انجام اعمالش دارای اختیار دانسته و بر این باورند که بر اساس حکمت الاهی اگر انسان در افعال خویش مختار نباشد، مدح و ذم، ثواب و عقاب وی بی معنا بوده و تکلیف نمودن انسان خلاف داده‌های عقلی است. متکلمان این مکتب بر آنند که کیفر مجرمان و اعطای ثواب به مؤمنان مطابق عدل الاهی بوده و ذات باری بندگانش را در صورت ثواب و جزا می‌دهد که پیش از آن و در عالم دنیا برای هدایت آنان پیامبرانی را فرستاده است.

۲ـ مبانی نجات اخروی از دیدگاه اشاعره

متفکران اشاعره، نیز در شرح و تفسیر آموزه‌ای نجات، ملتزم به دسته‌ای از مبانی شده‌اند که در ادامه، آموزه نجات، با استناد به مبانی این مکتب کلامی به کاوش گرفته می‌شود.

۲ـ۱ـ اراده مطلقه الهی و اختیار انسان

اراده الهی از مهمترین مبانی و محور تفکرات اشاعره در بحث نجات اخروی محسوب می شود. اشاعره این صفت ذات باری را، در مقام فعل و خلقت تفسیر نموده‌اند که در پرتو حکمت و عدل الاهی، تجلی می یابد. (غزالی، ١٤٢٧، ص ٦٠-٥٩). متکلمان اشاعره، با التزام به اراده مطلقه الهی، افعال انسان را مخلوق خداوند دانسته و نقش انسان را در تحقق افعال اختیاریش، فقط در قالب کسب تفسیر نموده‌اند. آنان بر این عقیده‌اند، هنگامی که آدمیان اراده می‌کنند که تا عملی را انجام دهند، خداوند آن عمل را خلق نموده و سپس انسان عمل حادث شده را کسب می‌کند؛ زیرا قدرت حادث انسان شایستگی و توان ایجاد فعل را ندارد (ابن عساکر، ١٤٠٤، ص١٣٤).

اندیشه خلق افعال آدمیان توسط خداوند که اشاعره بدان ملتزمند، جبر در افعال انسان است که با اصل تنزیه خداوند از ظلم که عقل و شرع، ذات باری را از آن پیراسته می دانند در تنافی بوده و با وجدان و فطرت انسان نیز، سازگاری ندارد و افزون بر آن در صورتی که انسان در اعمال اختیاریش صاحب اراده نباشد، مدح و ذم و اعطای ثواب و عقاب مفهومی نداشته و مکلف خواندن انسان خلاف حکم عقل است. (، سبحانی، ١٤١٧، ص ٢٦٧).

۲ ـ۲ـ حکمت الهی

متکلمان اشاعره، افعال الاهی را معلل به اغراض و غایات ندانسته و مفهوم حکمت را که در آیات قرآن به صورت مکرر آمده است (بقره/۲۱۹؛ هود/۷؛ آل عمران/ ۹۷؛ فاطر/۱۵) توجیه نموده و بر این باورند که و هر آنچه خداوند انجام می‌دهد حکمت است و نه اینکه آنچه دارای حکمت است خداوند انجام می‌دهد. (ایجی، ١٤٢٣، ج۸، ص۲۰۲-۲۰۶). عالمان اشعری با انکار هدفمندی از افعال خداوند، قول به رعایت وجوب صلاح و اصلح بر خداوند برای بندگان را باطل دانسته و معتقدند که ذات باری غنی بالذات بوده و نیازی به چیزی بیرون از ذات ندارد تا در صدد رعایت احسان، عوض و اصلح باشد. آنان برای نفی رعایت قاعده اصلح از افعال الاهی چنین استدلال نموده‌اند که اعتقاد به وجوب اصلح در افعال خداوند مستلزم آنست که خداوند را

مکلف و مستوجب مدح و ذم و ناقص فرض نماییم و این باور، با کمال و غنی مطلق بودن الاهی در تنافی بوده و در نتیجه، رعایت وجوب اصلح بر خداوند واجب نیست. (تفتازانی، ١٤٢٨، ج ٤، ص ٣٣١).

همچنین متکلمان اشاعره، رابطه علیت در میان موجودات عالم و افعال الاهی را انکار نموده و معتقدند که علاقه علّی میان حوادث وجود ندارد و بلکه عادت خدا بر این تعلق گرفته است که برخی حوادث را در پی برخی دیگر خلق کند؛ اما خداوند می تواند هرگاه اراده کند به این رویه خاتمه داده و آن را قطع کند. (ایجی، ١٤١٦، ج ٨، ص ٢٠٢؛ طاهری، ١٣٩٤، ص ٢٧١).

۲ـ۳ـ عدل الهی

بر مبنای تفکرات کلامی مکتب اشاعره در باب عدالت خداوند و اراده مطلقه الاهی، بر خداوند جایز است که به انسانها تکلیفی کند که از انجام آن عاجز و ناتوان هستند. (غزالی، ١٤٢٩، ج ١، ص ١١٢؛ فخر رازی، ١٤٢٣، ص ٤٧٩). متکلمان اشاعره براساس رویکردی که در باب عدالت جزایی خداوند برگزیده‌اند، بر خداوند، جایز است که در آخرت فضل و کرمش را شامل همگان نموده و همه را به بهشت ببرد و همینطور جایز است به هیچ کس تفضل نکرده و نعمت را از همه دریغ ورزیده و منع نماید. آنان معتقدند که چنین فعلی عین عدل الاهی بوده و هرچند در نظر عقول عادی انسانها، ظلم به حساب آید؛ زیرا افعال خداوند سراسر عدل بوده و عقل آدمی میزان داوری درباره افعال خداوند محسوب نمی‌شود. (اشعری، ١٤٢٨، ص ١١٥-١١٦). مطابق دیدگاه مکتب اشاعره، کسانی اهل نجات بوده و از حیات طیبه در عالم قیامت بهره مندند که معتقد به مبانی فکری آنان بوده و در مقام عمل از آن تخلف نورزند.

۲ـ۴ـ حسن و قبح افعال

اشاعره در باب حسن و قبح افعال، قائل به حسن و قبح شرعی شده و اظهار می‌دارند که حسن آن چیزی است که شرع آن را حسن می‌شمارد و قبیح آن چیزی است که شرع آن را قبیح بداند. بر مبنای فکری اشاعره؛ دروغ، خیانت در امانت، بی وفایی و...،از آن جهت زشت و قبیح است که شارع مقدس آنها را نهی کرده است و راستی و وفای به عهد و امانتداری از آن جهت

پسندیده است که شارع، آنها را حسن معرفی کرده و به انجام آن فرمان داده است. بر اساس این رویکرد، هرگاه بنده‌ای ملتزم به آموزه‌های شرع بوده و در مقام عمل از آن تخلف نورزد، زمینه نجات وی در عالم قیامت فراهم می‌شود. (شهرستانی، ١٤٢٧، ص ٢٠٨؛ اله بداشتی، ١٣٩٣، ص ٤٦٠).

متکلمان اشاعره، مبنایی که در باب حسن و قبح افعال برگزیده‌اند، تکلیف انسانها را فقط شرعی می‌دانند. آنان معتقدند که از راه اوامر و نواهی پیامبران الاهی (ع)، می‌توان شرعی بودن تکالیف شرعی را به اثبات رساند. (ایجي، ١٤٢٩، ج ٨، ص ٣٠٧).

۳ـ اسباب نجات اخروی از دیدگاه امامیه

بر پایه‌ای مباحث مطرح شده در حوزه مبانی نجات، در ادامه به بیان اسباب نجات اخروی، با استفاده از رویکرد متفکران امامیه و اشاعره، در دو محور اعتقادی و رفتاری، پرداخته می‌شود.

الف اعتقادی

یکی از محوریترین اسباب نجات اخروی انسانها، از دیدگاه متکلمان امامیه، اعتقاد به مبدأ، رسالت پیامبر اسلام (ص)، پیامهای آسمانی، روز رستاخیز و ولایت اهل بیت (ع) است که برای تبیین بهتر گستره اهل نجات، رویکرد آنان را، در زمینه این آموزه نجات، به قرار زیر بیان می‌داریم.

۱ ـ ایمان

متکلمان امامیه، حقیقت ایمان را به معنای تصدیق، پذیرش و باور قلبی دانسته که عمل و اقرار زبانی از لوازم آن به حساب می‌آید. (بحرانی، ١٤٠٧، ص١٧٠؛ حمصی رازی، ١٤٢٦، ج٢، ص١٦٢) علامه طباطبایی، با استناد به دسته‌ای از آیات مانند « و جحدوا بها و استیقنتها انفسهم» (نمل/١٤) و « اضله الله علی علم» (جاثیه/٢٣) ایمان را، قرار گرفتن عقیده در قلب و التزام عملی نسبت به آن دانسته است. وی بر این باور است که ایمان، اعتقاد و علمی است که در جان آدمی رسوخ نموده و زمینه تحقق اوصاف نفسانی و اعمال بدنی را، فراهم می‌سازد و باعث نجات انسانها در عالم آخرت می‌شود. (طباطبایی، ١٤١٧، ج٨، ٢٢٧) همچنین شهید مطهری،

ماهیت ایمان را، تسلیم قلبی دانسته و بر آن است که این نوع تسلیم، مساوی با تسلیم سراسر وجود انسان بوده و نفی هرگونه جحود و عناد است. (شهید مطهری، ۱٤۲۷، ص۲۰۹) بنابر این، از دیدگاه الاهی دانانی امامیه، اعتقاد علمی که با جان و قلب انسان معتقد، عجین شده و در اوصاف نفسانی و اعمال بدنی وی جلوه نماید، سبب نجات انسان در عالم آخرت می‌شود.

ب) عملی و رفتاری

واژه عمل به رفتارهای اختیاری انسان اطلاق می‌گردد. (راغب اصفهانی، ۱٤۲۳، ص ۲٤٥) و در ادامه به نقش محوری عمل صالح که در نجات و سعادتمندی انسانها مؤثر است، اشاره می‌شود.

۱ـ عمل صالح

متکلمان امامیه، با استناد به دسته‌ای از آیات قرآن (فاطر/۱۰؛ قصص/۷۹؛ شوری/۲۰) عمل صالح را، لازمه ایمان دانسته و در کنار آن از جمله اسباب نجات اخروی مؤمنان می‌دانند. (احمدی، ۱۳۹٥، ص ۱۲٥ و ۱۲٦) به باور آنان، آنچه که انسان را در راه قرب به خداوند به پیش برده و روح وی را تعالی می‌بخشد، عمل صالح است. (مصباح یزدی، ۱٤۳٦، ص۳۱۰).

۲ـ عفو الهی، توبه و شفاعت

الاهی دانان امامیه، با استناد به دسته‌ای از آیات قرآن کریم (توبه/ ۱۰٤؛ شوری/ ۲٥؛ زمر/٥۳) و روایات اسلامی (محمدی ری شهری، ۱٤۱۹، ج۱، ص ۳۳۸) عفوالهی، توبه و شفاعت را، جزء اسباب نجات اخروی شمرده‌اند. (مطهری، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۲٥۷ ـ ۲٥۸؛ علامه طباطبایی، ۱٤۱۷، ج ۱، ص ۲٤۲).

۳ـ عدم اتمام حجت به بندگان

امامیه یکی دیگر از اسباب نجات اخروی انسانها را، استضعاف فکری و شرایط محیطی دانسته‌اند. آنان بر این باورند کسانی که به دلیل شرایط محیطی و فکری که در آن قرار گرفته اند از

دین اسلام و دستورات آن آگاهی لازم را نداشته و عنادی هم با حقیقت و فرامین الاهی ندارند، اهل نجات بوده و از عقاب اخروی در امان خواهند بود. سید مرتضی، ۱٤۲۳، ص ۱۲۱).

با تبیین اسباب نجات از منظر الاهی دانان امامیه، در ادامه، دیدگاه آنان را، در مورد نجات یافتگان از عقاب خداوند، در دو حوزه ایمان و رفتار و در سه محور کلی تقسیم نموده و به بیان آن می‌پردازیم.

۱ ـ مؤمنان آلوده به گناه

عده‌ای از مسلمانان، با وجود اینکه ایمان به مبدأ، رسالت پیامبر اسلام (ص)، پیامهای الاهی و عالم رستاخیز دارند و در عین حال از نظر عمل و رفتار در مواردی، مرتکب گناه کبیره می‌شوند. این طیف از افراد نیز در صورت توبه، از عذاب خداوند رهایی یافته و پاداش الهی را در یافت نموده و در آخرت در زمره‌ای اهل نجات قرار می‌گیرند.(علامه طبا طبایی، ۱٤۱۷، ج٤، ص ۳۸۰). و اگر گناه آنان از روی عناد و مخالفت با حق باشد، در عذاب جهنم گرفتار خواهند بود. (همان، ۱٤۱۷، ج ۲، ص ۱۷۱).

۲ـ مؤمنان مخالف مذهب

میان عالمان امامیه در موری سرنوشت این طیف از مسلمانان در جهان پس از مرگ، اختلاف نظر دیده می‌شود:

الف) عده‌ای از متکلمان امامیه، امامت را از اصول مذهب دانسته و بر این عقیده‌اند که مؤمنان مخالف مذهب، در صورتی که معتقد به اصول دین بوده و دارای عمل صالح باشند، از اهل نجات به حساب می‌آیند. (شیخ مفید، ۱٤۲۰،ص ٤٤).

ب) اما جمعی از آنان، امامت را از اصول دین به حساب آورده و مؤمنان مخالف آن را، کافر دانسته و اهل نجات نمی دانند(مجلسی، ۱۳۸۵، ص ۹۰؛ علامه حلی، ۱۳٦۵، ص ٤۹۷).

۳ـ غیر مسلمانان

در این مورد نیز بین متکلمان امامیه اختلاف نظر وجود دارد.

الف) کسانی که به صورت مطلق کافر بوده و اعم از اینکه کافر معاند بوده و یا در کفر خویش مقصر باشند در این صورت همیشه به عذاب الاهی گرفتاربوده و اهل نجات نخواهند بود. (شیخ طوسی، ١٤٢٥، ج٣، ص ٢١٤).

ب) گروهی که در کفر خود معاند نبوده و مقصر نباشند و بلکه مستضعف فکری و اعتقادی به شمار آیند، از جمله نجات یافتگان به حساب می‌آیند. (کلینی، ١٤١٤، ج ٢، ص ٤٠٦).

ج) اگر به خداوند اعتقاد داشته و از نظر رفتار نیز دارای عمل صالح باشند، و در برابر آن پاداش گرفته و اهل نجات به شمار می‌آیند.

د) در صورتی که غیر مؤمن به خدا و تعالیم آسمانی بوده و اما دارای نیت خالص و عمل خیر باشند، چنین کسانی نیز اهل نجات محسوب می‌شوند.

ه) آن دسته از آدمهایی که کافر بوده و ایمانی به خداوند ندارند؛ اما کفر آنان بر اثر عناد با حق نبوده و بلکه به سبب عدم دسترسی به تعالیم الاهی و تمام نبودن حجت بر آنان باشد. چنین افرادی معذور بوده و اهل نجات هستند. (شیخ طوسی، ١٤٢٢، ص ١٠٥).

و) سایر انسان هایی که جزیی گروههای یاده شده به حساب نیامده و توان دسترسی به تعالیم حیاتبخش الاهی را دارا بوده و برای نابودی حق تلاش نموده و عناد ورزیده‌اند، (نساء/١٥٠) در عذاب جهنم جاودانه خواهند بود. (سبحانی، ١٤٣٢، ج ١، ص ٣٣٣).

تحلیل رویکردها

با بررسی دیدگاه متکلمان امامیه در حوزه اسباب نجات اخروی، می‌توان به این ره آورد دست یافت که اندیشه غالب در میان متکلمان این مذهب آنست که آنان امامت را از اصول مذهب دانسته و آن طیف از مسلمانانی که اعتقاد به امامت اهل بیت (ع) نداشته و اما در مقام عمل به آموزه‌های دینی و معارف اسلامی ملتزم بوده و عمل صالح انجام می‌دهند و عناد و عداوتی با اهل بیت پیامبر(ص) نداشته و بلکه نسبت به آنان اظهار محبت و دوستی می‌ورزند، در زمره نجات

یافتگان محسوب می‌شوند. همچنین از نظر عالمان امامیه، آن دسته از غیرمؤنانی که مرتکب گناه کبیره شده و گناه آنان از روی عناد نباشد، در روز قیامت از عذاب الاهی در امانند؛ اما کافرانی که گناه آنان از روی عناد بوده و با حق مخالفت می‌ورزند، زمینه‌ای برای بخشش و پاک شدنشان وجود نداشته و همیشه در عذاب جهنم گرفتار خواهند بود.

۴ـ اسباب نجات اخروی از دیدگاه اشاعره

متکلمان اشاعره، در باب تحقق افعال انسان، تنها اراده مطلقه الاهی را مؤثر دانسته و اظهار می‌دارند که اعمال صادره از آدمی در نجات اخروی وی در صورتی مفید است که خداوند را خالق افعال بندگان دانسته و بندگان را کاسب آن بدانیم. و روی همین مبنای خدامحورانه‌ای که اشاعره در حوزه رفتار انسانها اتخاذ نموده و تنها آنها را، کاسب افعالشان می‌دانند، به ایمان و کفر آنها مدح و یا ذم تعلق گرفته و زمینه سعادتمندی و یا شقاوت آنها را در آینده، فراهم می‌سازد. در این بخش از نوشتار، به ذکر اسباب نجات اخروی از منظر آنان، در دو حوزه بینش و کنش پرداخته می‌شود.

الف) اعتقادی

باور قلبی و اذعان به مبدأ واحد و رسالت پیامبران الاهی (ع) و پیامهای آسمانی یکی از مهمترین اسباب نجات انسانها در جهان پس از مرک است که در ادامه، به بیان دیدگاه الاهی دانان اشاعره، در موضوع این آموزه پرداخته می‌شود.

۱ـ ایمان

متکلمان اشاعره، ایمان را به معنای تصدیق و پذیرش قلبی دانسته که همراه با معرفت توسط امر شارع به دست می‌آید. (ایجی، ۱٤۲۸، ج۸،ص۳٦۷) همچنین تفتازانی با استناد به دسته‌ای از آیات قرآن، ایمان را فعل قلبی دانسته و برآن است که ایمان از سنخ معرفت نبوده و بلکه از سنخ تصدیق و به معنای گرویدن است. (تفتازانی، ۱٤۰۹، ج ۵، ص۱۸۹) چنانکه ابوحامد محمد

غزالی نیز، ایمان را به تصدیق قلبی تفسیر نموده و زبان را ترجمان این امر قلبی دانسته است. وی جایگاه ایمان را در قلب دانسته و تصدیق را به تسلیم خاص قلبی معنا کرده و غیر از علم و معرفت می‌داند. (غزالی، ١٤١٦، ج١، ص ١٠٥) بر اساس مبانی اعتقادی اشاعره، این گرایش و خضوع قلبی و اذعان و باور درونی نسبت به خداوند، از جمله مهمترین اسباب نجات مؤمنان پس از مرگ به شمار می‌آید.

ب) عملی و رفتاری

عمل و رفتار سازنده، نقش اساسی در تعیین سرنوشت انسانها دارد که در این قسمت از بحث به بیان رویکرد اشعریان در زمینه رفتار نجات بخش و عمل بر طبق ایمان می‌پردازیم.

۱ ـ عمل نیک

متکلمان اشاعره، همانند الاهی دانان امامیه، تمامی اسباب نجات گفته شده در حوزه رفتار و کنش انسانها مانند عمل صالح، عفو و توبه و شفاعت را، وسیله نجات آدمیان دانسته و معتقدند، مؤمنانی که عمل صالح و نیک انجام می‌دهند، دارای پاداش الهی بوده و پس از مرگ سعادتمند می‌شوند. (جوینی، ١٤٢٩، ص ٨٨). آنان در مورد مؤمنانی که مرتکب گناه کبیره شده‌اند چنین اظهار می‌دارند که گنهکاران مستحق عذاب الاهی بوده؛ اما در نهایت نجات می‌یابند. (فخر رازی، ١٤٢٧، ج ٣، ص ٥٧٨– ٥٨١؛ شهرستانی، ١٤٢٨، ج ١، ص ١١٥).

۲ـ عدم اتمام حجت به بندگان

اشاعره در سببیت نجات اخروی کسانی که به دلیل شرایط محیطی و فکری که در آن قرار گرفته اند از دین اسلام و دستورات آن مطلع نشده اند و عنادی هم با حقیقت ندارند، با امامیه، هم عقیده بوده و آن را یکی از اسباب نجات اخروی بر شمرده‌اند. (ایجی، ١٤٢٤، ج٨، ص ١٧٠).

با تبیین اسباب نجات اخروی از منظر متکلمان اشاعره، در ادامه، رویکرد آنان در مورد نجات یافتگان از عقوبت الاهی، مورد بررسی قرار داده می‌شود.

۱ـ مؤمنان گناهکار

رویکرد اشاعره، در موضوع انسان شناسی و جهان شناسی، بر این امر استوار است که آنان معتقدند، خداوند آنچه را که فعل، ایجاد، خلق و احداث است، خود انجام می‌دهد و انسانها، توان انجام این امور را نداشته و بشر تنها، قدرت کسب را دارا بوده و فعل خلق را کسب نموده و با کسب اعمال نیک ثوابی به دست آورده و با انکار و تمرد از دستورات الاهی، مستوجب عذاب قرار می‌گیرد. متکلمان اشاعره در باب مؤمنان اهل معصیت، بر این باورند که سرنوشت آنان، در دست خداوند بوده و اگر خداوند اراده نماید آنان را بخشیده و به بهشت وارد می-کند و اگر اراده نکند، نخست گناهکاران را، به اندازه گناهشان عقاب نموده و در نهایت مشمول لطف خویش قرار داده و وارد بهشت می‌نماید. (باقلاني، ١٤٠٧، ص ٤٠٣).

۲ـ مؤمنان مخالف مذهب

کلام دانان اشاعره، همانند امامیه، در مورد مؤمنان مخالف مذهب خودشان، دو نوع دیدگاه اتخاذ نموده و عده‌ای از آنان مؤمن مخالف مذهب را کافر دانسته و آنها را، اهل نجات نمی‌دانند. (بغدادی، ١٤٢٩، ص ١١٥؛ آمدی، ١٤٣٢،ج ١، ص ١٩٣)؛ اما جمعی از متکلمان اشاعره، مخالفان مذهبی‌شان را، مؤمن دانسته و اهل نجات می‌دانند. (تفتازانی، ١٤١٣، ج ٥، ص ١٣٢).

۳ـ غیر مسلمانان

همچنین اشعریان، در مورد اینکه آیا غیر مسلمانان از جمله‌ای نجات یافتگان در روز رستاخیزند؟ اختلاف نظر دارند که در ادامه به صورت گذرا به بیان آراء آنان پرداخته می‌شود:

١ـ برخی از اشعریان، معتقد به کفر غیر مسلمانان شده و عذابشان را جاودانه دانسته‌اند. (فخر رازی، ١٤١٩،ص ٥٦٦؛ تفتازانی، ١٤١٣، ج ٥، ص ١٣١؛ ایجی، ١٤٢٤، ج ٨، ص ٣٠٧).

٢ـ اما عده‌ای از متکلمان اشاعره، میان غیر مسلمانان، قائل به تفصیل شده و گروهی را که به دلیل شرایط محیطی و نداشتن عناد و تمام نبودن حجت، اهل نجات دانسته‌اند؛ ولی کسانی را که با اسلام و حق عناد داشته و از روی غرض ورزی ایمان نیاورده‌اند، آنان را اهل نجات ندانسته و

مخلد به عذاب الاهی می‌دانند. (. باقلانی، ۱٤۲۳، ص ۱۱۲).

۵ـ مقایسه نظرات امامیه و اشاعره

امامیه و اشاعره در بیشتر اسبابی که برای نجات اخروی ذکر شد، اتفاق نظر دارند؛ اما اندیشه آنها، با توجه به مبانی متفاوتی که در مباحث کلامی دارند، در مواردی مختلف است. در ادامه، به بیان موارد افتراق نظریات آنان در مورد اسباب نجات، می‌پردازیم.

۶ـ تفاوت دیدگاه‌ها درباره برخی از اسباب نجات اخروی

همانطور که اشاره شد، دیدگاه امامیه و اشاعره در پاره‌ای از اسباب نجات متفاوت بوده و اختلاف انظار آنان در مباحث کلامی، ریشه در مبانی هردو مکتب دارد، که در ادامه بحث، به دو محور از تفاوت رویکرد آنان در زمینه اسباب نجات پرداخته می‌شود.

۶ـ ۱ـ اعتقاد به امامت و ولایت اهل بیت (ع)

عالمان امامیه، علاوه بر ایمان و عمل صالح که از شرایط اصلی نجات اخروی به حساب می‌آید، اعتقاد به امامت و ولایت اهل بیت (ع) را نیز از شرایط نجات می‌دانند. امامیه با این استدلال که پیامبر اسلام (ص) در مناسبت های مختلف خصوصا در جریان غدیر خم، امامت بلافصل حضرت علی (ع) را اعلام کرده اند و اعلام مکرر این مسأله مهم توسط پیامبر(ص) آن را به حد ضرورت رسانده است؛ از این رو بر مبنای کلامی امامیه، اعتقاد و التزام به ولایت اهل بیت (ع). مایه نجات امت بوده و وسیله سعادت مؤمنان را، در عالم آخرت فراهم می‌کند. (مفید، ۱٤۲۱، ص٤٤؛ علامه حلی، ۱٤۲۳، ص ٤۰۱؛ کلینی، ۱٤۱۳، ج ۲، ص ٦۳)؛ اما متکلمان اشاعره امامت بلافصل اهل بیت (ع) را از اسباب نجات انسانها، در عالم پس از مرک نمی‌دانند.

همچنین دیدگاه متکلمان امامیه و اشاعره، در باره نحوه اعطای ثواب به بندگان و شاکله نجات آنان، متفاوت بوده که به قرار زیر بدان اشاره می‌شود.

۶ـ ۲ـ دیدگاه خدا و انسان محورانه نجات

با بررسی مبانی امامیه در باب نجات انسانها دانسته شد که آنان، انسان را موجود مختار دانسته و تکالیف الاهی را، از روی اختیار و توانایی که دارد انتخاب نموده و انجام می‌دهد؛ بر اساس همین مبنا که انسان قدرت تصمیم گیری و اختیار دارد، نجات اخروی انسانها، دارای دو جنبه است:

الف) تفضل الاهی

از آن نظر که برعناصر الهی رستگاری و نجات در روز قیامت مانند عفو الهی و شفاعت تاکید دارد، تفضلی است. (علامه حلی، ١٤١٥، ص٥٠٩-٥١٩).

ب استحقاق بشری

از آن حیث که بر مؤلفه‌های انسانی نجات مانند ایمان، عمل صالح، توبه و امثال آن که به افعال اختیاری انسان تاکید دارد، استحقاقی است. (طوسی، ١٤٠٦، ص ٢٠٣). از این رو که تلاش بشری نیز در فراهم ساختن اسباب نجات، مؤثر و کارساز است، فیض و ثوابی که شامل حال مؤمنان می‌شود، هم وجه استحقاقی بخود گرفته و هم جنبه تفضلی دارد.

۶ـ ۳ـ دیدگاه خدا محورانه نجات

مبنایی که اشاعره در باب نجات اخروی انسانها بر گزیده‌اند، یگانه عامل سعادت آنها را، اراده الاهی می‌دانند که به قرار ذیل بدان اشاره می‌شود.

الف) تفضل الاهی

متکلمان اشاعره، دیدگاه خدا محورانه‌ای که در باب اسباب نجات اتخاذ نموده‌اند، علت اصلی نجات اخروی انسان را، خداوند می‌دانند. بر اساس مبنای آنان، انسان از آگاهی و قدرت، اختیار لازم برای برداشتن گام های اساسی به سمت نجات خود، برخوردار نیست و این اراده، فیض و عنایت الهی است که موجب ایمان و عمل صالح افراد و در نهایت باعث رستگاری آنها

در جهان آخرت می شود. (غزالی، ۱۹٦۲، ص٦٤؛ جوینی، ۱۳٦۹، ص ۳۸۱).

نتیجه گیری

با مقایسه‌ای اندیشه‌های اعتقادی متکلمان امامیه و اشاعره در زمینه نجات، این یافته به دست آمد که امامیه، ضمن تأکید بر شمول توحید افعالی خداوند، معتقد به غرضمندی در افعال الاهی و رعایت وجوب اصلح در آن شده و انسان را در انجام افعالش مختار دانسته و حسن و قبح افعال را عقلی می‌دانند. آنان، اختیار انسان، حکمت و عدالت الاهی و حسن و قبح عقلی اشیاء را، از مبانی نجات شناسی انسان به حساب آورده و بر این باورند، آزادی است که مبنای فضیلت برای انسان شمرده می‌شود؛ اما متفکران اشاعره، قدرت آدمیان را در قالب کسب تفسیر نموده و یگانه عامل مؤثر در ایجاد اعمال بندگان را، قدرت مطلقه الاهی دانسته‌اند. آنان رعایت وجوب اصلح در افعال الاهی را نپذیرفته و با نفی رابطه علیت در میان موجودات و انکار غرضمندی در افعال الاهی، انسان را در انجام افعالش مجبور دانسته و قائل به حسن و قبح شرعی افعال شده‌اند. دیدگاه متکلمان امامیه و اشاعره در مورد نجات پیروان مذهب یکدیگر، متفاوت بوده و برخی از آنان، انحصار گرا شده و تنها پیروان مذهب خویش را، اهل نجات دانسته‌اند؛ اما برخی دیگری از آنان، با اتخاذ رویکرد شمول‌گرایی، تمامی پیروان دین حق را، اهل نجات می‌دانند؛ ولی عده‌ای از متکلمان دومذهب، نجات یافتگان را، فراتر از دین و مذهب حق به حساب آورده‌اند. متکلمان امامیه، مسلمانان را، به مؤمنان دارای عمل صالح و مرتکب گناه کبیره، مؤمنان مخالف مذهب و غیر مؤمنان دارای گناه کبیره، تقسیم کرده و اکثریت آنان را، اهل نجات دانسته‌اند و اندیشه آنان در باره غیر مسلمانان نیز متفاوت بوده و اکثر عالمان امامیه، با تمسک به قاعده قبح عقاب بلا بیان و استضعاف فکری، بسیاری از انسانهای غیر مسلمان را نیز، از اهل نجات می‌دانند. همچنین دیدگاه عالمان اشعری، در مورد پیروان دین اسلام و غیر مسلمانان متفاوت بوده و عده‌ای از آنان مؤمنان مخالف مذهب و مستضعفان فکری را، اهل نجات می‌دانند. امامیه و اشاعره در مواردی با اتفاق نظر، ایمان، عمل صالح، عفو الهی، توبه و شفاعت و عدم اتمام حجت به بندگان را، از جمله اسباب نجات اخروی انسانها دانسته‌اند؛ اما در پاره‌ای موارد نظرات آنان در باب اسباب نجات، با توجه به تفاوت مبانی که در مباحث کلامی دارند، مختلف بوده و امامیه اعتقاد به امامت اهل بیت (ع) را، از جمله ارکان نجات دانسته و اعطای ثواب الاهی برای بندگان را،

تفضلی و استحقاقی می‌دانند؛ اما اشاعره با عدم اعتقاد به امامت اهل بیت (ع)، اعطای ثواب به مؤمنان را، تنها از باب تفضل و لطف خداوند دانسته‌اند. متکلمان امامیه، با تمسک به حکمت و عدالت الاهی، عبادت را به عنوان علت آفرینش انسان به شمار آورده و بر آنند که اعطای ثواب و کیفر برای نیکوکاران و بدکاران، بر مبنای عدالت استوار بوده و اگر پاداش و کیفر اخروی نباشد، عدالت الهی مخدوش می‌شود؛ اما اشاعره، اراده الهی را مطلق فرض نموده و برای انسان اختیاری قائل نبوده و تکلیف مالایطاق را نیز از جانب خداوند مجاز می دانند. آنان حکمت و عدالت الهی و حسن و قبح را در ذیل اراده الهی آورده و معتقدند هر چه خداوند انجام دهد، عین حکمت و عدالت است و خوب و بد آن است که خداوند آن را اراده نماید.

کتابنامه

حلی، یوسف بن مطهر(۱٤۱۳) **کشف المراد**، تصحیح حسن زاد آملی، چاپ چهارم، قم، مؤسسة النشرالإسلامی،

حلی، یوسف بن مطهر(۱٤۱۵) **مناهج الیقین فی اصول الدین**، چاپ اول، تهران، دارالأسوه.

سبحانی، جعفر سبحانی، جعفر(۱۳۹۲) **مسائل جدید کلامی**، چاپ دوم، قم، انتشارات موسسه امام صادق (ع). سبحانی، جعفر(۱٤۱۲) **الاهیات علی هدی الکتاب و السنه و العقل**، چاپ سوم، قم، المرکز العالمی للدراسات الاسلامیه.

سیوری حلی، فاضل مقداد (۱٤۰۵) **إرشاد الطالبین الی نهج المسترشدین**، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی.

سیوری حلی، فاضل مقداد (۱٤۲۲) **اللوامع الإلهیة فی المباحث الکلامیة**، چاپ دوم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

شبّر، سید عبدالله(۱٤۲٤) **حق الیقین فی معرفه اصول الدین**، چاپ دوم، قم، انوارالهدی.

شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (۱٤۲۳) **الملل و النحل**، چاپ سوم، قم، شریف الرضی.

طباطبایی، محمد حسین، (۱٤۱۷) **المیزان فی تفسیر القرآن**، چاپ پنجم، قم، المکتبه النشر الاسلامی.

عاملی، میر سید محمد(۱۳۸۱) **علاقة التجرید**، چاپ اول، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

علیزاده، عبدالله(۱۳۹۵) **ایمان از نظر سه شخصیت معتزلی** ، اشعری و شیعی، چاپ اول، تهران، راه دکتری.

غزالی، ابو حامد (۱۳۸۲) **تهافت الفلاسفه**، چاپ اول، تهران، شمس تبریزی.

غزالی، ابو حامد (۱٤۰۹) **الإقتصاد فی الإعتقاد**، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه.

غزالی، ابو حامد (۱٤۱٦) **مجموعه رسائل**، چاپ اول، بیروت، دارالفکر.

غزالی، ابو حامد(۱٤۰۹) **الاربعین فی اصول الدین**، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه.

فخر رازی، محمدبن عمر (۱٤۰٦) **شرح اسماء الله الحسنی**، قاهره، مکتبةُ الکلیات الأزهریةُ.

فخر رازی، محمدبن عمر (۱٤۱۱) **المحصل**، چاپ اول، عمان، ناشر دارالرازی.

فخر رازی، محمدبن عمر (۱٤۲۰) **مفاتیح الغیب**، چاپ سوم، بیروت، دار إحیاء التراث العربی.

فراهیدی، خلیل بن أحمد (١٤١٥) **العین**، چاپ اول، قم، مدرسه فقاهت.
فیومی، احمد بن محمد(١٤١٨) **المصباح المنیر**، چاپ دوم، قم، المکتبه العصریه.
قدردان قراملکی، محمد حسن(١٣٩٤) **جهنم چرا**، چاپ ششم، قم، مؤسسه بوستان کتاب.
قرشی، سید علی اکبر(١٣٧١) **قاموس قرآن**، چاپ ششم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
کلینی، محمدبن یعقوب (١٣٦٢) **الکافی**، چاپ دوم، تهران، انتشارات اسلامیه.
مفید، محمد بن نعمان(١٤١٣) **تصحیح اعتقادات الامامیه**، چاپ اول، قم، المؤتمر العالمی للشیخ المفی.
موسوی، سید مرتضی (١٤٠٥) **الرسائل الشریف المرتضی**، چاپ اول، قم، دارالقرآن الکریم.
موسوی، سید مرتضی(١٤١١) **الذخیره فی علم الکلام**، قم، موسسه النشر الاسلامی.
موسوی، سید مهدی(١٣٩٣) **ایمان و کفر**، چاپ اول، قم، دارالإعلام لمدرسه أهل البیت.